

در ملك واقع است ما بين صاحب آن دو مشترك محسوب ميشود مگر اينكه قريبنه يا دليلی بر خلاف آن موجود باشد قانون مدنی بلژيك نیز عين اين ترتيب را اتخاذ نموده (رجوع بماده ۶۵۳) بهمنی از قوانين خارجي در اين مورد می کويند ديوار مال کسی است که در ملك او بنا شده است. بموجب ماده ۳۹ قانون مدنی هر بنا و درخت که در روی زمین است و همچنين هر بنا و حفريکه در زیر زمین است ملك مالك آن زمین محسوب ميشود مگر اينكه خلاف آن ثابت گردد قانون مدنی بلژيك در اين قسمت هم با قانون مدنی ايران مطابقت دارد (رجوع بماده ۵۵۳ قانون مدنی بلژيك) اماره موجوده در هر دو مثال فوق و امثال و نظاير آنها اماره قانونی می باشد که نسبت بآن دليل عكسی پذيرفته است.

سند براثت مدیون از اصل دين بدون اشاره بمنافع هر گاه دائن براثت مدیون خود را نسبت باصل دين کتباً تصدیق کند آیا تصدیق نامبرده شامل منافع طلب و خسارت تاخير تاديه و خسارات ديگر نیز می باشد يا نه؟ قانون مدنی بلژيك در ماده ۱۹۰۸ باین پرسش پاسخ مثبت میدهد. بعضی از دانشمندان معتقدند که این اماره قانونی در ردیف اماراتی است که دليل عكسی نمی پذیرد مگر با طريق يمين و اقرار. نظر باینکه اماره قانونی را باید قانون معین کند و در قوانين ايران از این اماره اسم برده نشده ناچار باید آنرا در ردیف امارات قضائی قرار دهیم که ارزش آنرا خود دادرس باقتضای موارد و بادر نظر گرفتن اوضاع و احوال مخصوص هر قضیه بانظر و اجتهاد خود معین نماید.

وحدت

است که بعنوان مالکیت باشد پس نفس (۱) تصرف اماره مالکیت است مگر اينکه خلاف آن به ثبوت برسد (ماده ۲۲۳۰ قانون مدنی بلژيك) اصل این است که متصرف در امر تصرف دارای حسن نیت باشد یعنی معتقد باشد ب مالکیت خویش در ملك متصرفی خود مگر اينکه خلاف این امر ثابت گردد (ماده ۲۲۶۸ قانون مدنی بلژيك)

هر گاه متصرف فعلی ثابت کند که در زمان سابق نیز در همان ملك تصرف داشته فرض می شود که در زمان فترت بين دو تصرف (مدتی که متصرف بودن او در آن مدت محرز نیست) نیز متصرف بوده است.

اماره ناشی از مجاورت والتصاق املاك

بموجب ماده ۱۰۹ قانون مدنی دیواری که ما بين

(۱) بموجب خیر حفص بن غياث پرسش و پاسخی قریب بمضمون زیر بين راوی و یکی از پیشوایان دين وقوع یافته است:

س - هر گاه چیزی را در تصرف کسی به بینیم بصرف همین تصرف می توانیم ب مالکیت او نسبت بآن شئی شهادت بدهیم؟

ج - بلی

س - ممکن نیست آن چیز مال کسی دیگر باشد؟

ج - در صورتیکه چیزی را از متصرف آن ابتیاع می

کنیم و در اثر همین معامله که مبتنی بر تصرف اومی باشد خودمان را مالك شئی میبایع میدانیم چطور ممکن است در مالکیت بایع متصرف تردید داشته باشیم. بعد فرمودند در غیر این صورت معاملات انجام نمی یافت و مردم دچار زحمت می شدند.

تعريف قانون و شریعت

قانون (CANON)

نقل فلسفه از لغت یونان ب لغت عرب از زبان مزبور اقتباس نموده اند.

کلمه قانون اصلا یونانی و از جمله کلمات اصطلاحی است که مؤلفین اسلام آنرا در زمان پیشین هنگام

در آغاز ترجمه فلسفه یونان برخی از مترجمین کتب فلسفه سریانی بودند - از این جهت بعضی از فلاسفه اسلام تصور کرده‌اند که کلمه قانون اصلاً سریانی بوده است.

صاحب کتاب شرح مطالع گوید (. . . فالقانون . لفظ سریانی ، روی انه المسطر بلغتهم ، و فی الاصطلاح مرادف الاصل والقاعده . الخ)

یعنی قانون لفظ سریانی است و روایت شده که کلمه نامبرده در زبان سریانیها بمعنی «مسطر» بوده و در اصطلاح مرادف است با اصل (principe) و قاعده (régle).

گرچه تعریف مولف مذکور درست و صحیح بوده ولی در قسمت اینک که دانشمند نامبرده کلمه قانون را سریانی الاصل تلقی کرده با اشتباه رفته است - زیرا بطوریکه در بالا اشعار شد کلمه قانون در حقیقت یونانی و اصل معنای آن در لغت یونان قدیم بمعنی راه باریک بوده و سپس بمعنی آلتی که بوسیله آن پرده های آلات موسیقی تعیین میشد استعمال و بعداً بالاستعاره بمعنی (قاعده اعلی Norme por excellence) استعمال گردیده و بنابراین بین کلمه قانون و «Norme» فرقی نمیباشد صاحب کتاب برهان قاطع گوید : قانون بانون بر وزن بارون بمعنی اصل و رسم و قاعده باشد و نام کتابی است در طب و نام سازی است که مینوازند گویند این لغت مغرب کانون است و عربی نیست لکن در عربی مستعمل است .

معذلك فعلا در زبان فارسی کلمه قانون بجای کلمه Loi استعمال - و در ترجمه (lois naturelles) گفته میشود قوانین طبیعی - و در ترجمه (lois positives) گفته میشود قوانین موضوعه در صورتیکه در زبان قدیم یونان در مقابل موضوع له کلمه (Loi) کلمه (نومس) استعمال میشد و معانی لفظهای (قانون) و (نومس) که کلمه ناموس محرف آن است در زبان مزبور با هم دیگر متفاوتند

دانشمندان گذشته نیز در میان معانی دو لغت ذکر شده فرق گذاشته‌اند - سید شریف در کتاب تعریفات گوید : (القانون امر کلی منطبق علی جمیع جزئیاته - التي يتعرف احكامها منه كقول النحاة لفاعل مرفوع والمفعول منصوب والمضاف اليه مجرور) یعنی قانون امر کلی است که منطبق باشد بجمیع جزئیات خود بطوریکه احکام جزئیات مزبوره از آن امر کلی شنیده شده است مانند گفتار نحوین : فاعل مرفوع و مفعول منصوب و مضاف اليه مجرور میباشد .

نیز دانشمند مذکور در کتاب نامبرده گوید : (الناموس هو الشرع الذي شرعه الله) یعنی ناموس طریقه ایست که خداوند آنرا تشریح فرموده است .

پطرس بستانی در کتاب قطر المحيط گوید : و بالناموس ايضا الشريعة يونانياتها (نومس) یعنی ناموس بمعنی شریعت نیز بوده که یونانی آن نومس است - و معلوم است که بقاعده (هر فاعل مرفوع است الخ) و امثال آن نمیشود کلمه loi را اطلاق کرد .

پس معلوم میگردد که فرق است میان معنی موضوع له قانون و معنی موضوع له «loi» و بالت نتیجه اصل معنی اصطلاحی قانون عبارت است از دستور العمل و خط حرکتی که برای رسیدن بیک نتیجه معین پیروی آن لازم میباشد .

شریعت (LOI)

علماء برای شریعت تعریفات زیادی وضع نموده‌اند که تعریفات مزبوره از جهت اختلاف تعریف کنندگان در مقصود و مراد و از جهت تفاوت قوت تعبیر آنان با هم دیگر متفاوتند .

مقصود از شریعت که در اصطلاحات حقوقی استعمال میشود - مجموع قواعدی است که سلطه و حکومت به منظور حفظ انتظام اجتماع بشری بر پیروی کردن آن قواعد امر نماید - مانند شریعت حمورابی و شریعت

شریعت را استعمال کرد ولی در مقابل کلمات نامبرده
نمیشود کلمه قانون را استعمال نمود.

عبدالحمید غیائی

عبرانیه و شریعت اسلامی و غیر اینها و بنا باین تعریف
شریعت معادل است با کلمه (LOI) و با کلمه ناموس
و بالجمله بجای کلمه [IOI] و (ناموس) میشود کلمه

مسئولیت مدنی

میکند و آن اینست هیچکس بدیگری نباید خسارتی
وارد سازد پس اگر خسارتی وارد آورد باید آنرا
جبران نماید لیکن بشرط اینکه در ضمن عمل خود (عمل
مولد خسارت) مرتکب تقصیری شده باشد یا بعبارت دیگر
که ترجمه دقیق ماده نامبرده میباشد « هر عمل انسان
که بدیگری خسارتی وارد آورد کسی را که بغلت
تقصیر او این خسارت وارد آمده مجبور بمرمت آن
میسازد » بنابر این تقصیر و خطای شخص در هر عمل
برای اجبار او به جبران خسارت لازم میباشد.

قانون تقصیر را تعریف نکرده فقط ماده ۱۳۸۳
میکوید هر کسی مسئول خسارت وارده بدیگری می
باشد نه تنها برای تقصیری که نتیجه عمل اوست بلکه
برای تقصیری که در نتیجه سهل انگاری و غفلت نیز پیش
آمده باشد بدین طریق ماده نامبرده ضمناً تقصیر را تعریف
میکند عمل مثبت فقط تولید تقصیر نمیکند عمل منفی
یعنی ترك عمل نیز تقصیر شناخته میشود هر موقف شخص
مطابق وظیفه خود از حیث اقدامات لازم - محافظت ها -
احتیاط های واجب برای جاوگیری از وقوع حادثه و
آسیب نرساندن بسایرین عمل نکند تقصیر کار محسوب
می شود.

لیکن اقدامات و محافظت ها و احتیاطات لازم بسته
بهر موضوعی فرق میکنند برای اینکه يك حیوان شرور
باشخاص صدمه جانی وارد نسازد احتیاطات مخصوصی
لازم است و برای محافظت يك ماشین اقدامات دیگری
باید بعمل آورد بنابراین تقصیر را در هر مورد بادر نظر

موضوع مسئولیت یکی از فصول مهم حقوق مدنی
است در مقالاتی که در این خصوص خواهیم نگاشت
ابتدا در حقوق مدنی فرانسه مواد قانون و رویه قضائی
آن کشور بررسی کاملی نموده سپس از قانون مدنی
خودمان آنچه از مواد میتوان استنباط کرد و رویه قضائی
را تا حدی که وجود دارد خواهیم نوشت.

مسئولیت مدنی در قانون فرانسه

مسئولیت مدنی ممکن است در نتیجه اجرای عقود
برای یکی از طرفین عقد پیش بیاید (مسئولیت عقدی)
و یا اینکه مستقیماً ناشی از قانون باشد (مسئولیت قانونی)
و یا اینکه در نتیجه عمل شخص که متضمن تقصیر کاری
او میباشد تولید گردد.

(مسئولیت خطائی) از این سه قسم مسئولیت دو قسم
اخیر آن مورد بررسی ما میباشد.

مسئولیت جزائی

(زهر و شبه زهر)

قانون مدنی فرانسه در مواد ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۶ اصول
مسئولیت مدنی ناشی از خطا و تقصیر کاری را نهاده است
و رویه قضائی بعداً روی این اصول عمل کرده و نتایج
واستنباطات زیادی از این چند ماده قانون نموده که مطالعه
آنها بی نهایت نافع و جالب توجه است.

اصل لزوم تقصیر

ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه يك اصل کلی وضع